

## سخنرانی اوپاما و حقه بازی لیبرمان سفر خاور میانه ای رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

ویچسلاو تتیوکین (Vicheslav Tetyokin)

ترجمه: ا. م. شیرینی

در طول این هفته شاهد دو رویداد مهم بودیم که، نشاندهنده تصمیم بازیگران اصلی در امور خاورمیانه بود. یکی؛ سفر باراک اوپاما، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به عربستان سعودی و مصر، دیگری؛ دیدار آویگدور لیبرمان، وزیر امور خارجه اسرائیل از مسکو می باشد. البته که، این دو سفر دارای اهمیت یکسان نمی باشند. ولی، مقایسه آن دو، سمت تمایل مهره های اصلی بازی را نشان می دهد.

ابتدا، به مهره نسبتاً کوچکتر - لیبرمان، می پردازیم. می دانیم که، تعیین این مولداوی الاصل به مقام وزیر امور خارجه اسرائیل، بخودی خود، با اعتراض همراه بود. جناب لیبرمان، نه تنها در جهان عرب، حتی در همه جهان با نظرات افراطی خود مشهور است. مثلاً؛ وی زمانی بر بمباران سد اسوان مصر اصرار می کرد. لازم به توجه است که، در صورت بمباران آن، آب رها شده از این سد، می توانست اکثریت ۶۰ میلیون جمعیت مصر را که در سواحل باریک رود نیل ساکن هستند، به هلاکت برساند. تصور اینگونه بیانات شدیداً ضد انسانی بسیار مشکل است.

در عین حال، جناب لیبرمان توجه خاصی به مسکو دارد. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه و جناب پریخادکو، معاون امور بین الملل رئیس جمهور روسیه، پریزدنت مدوداوف و حتی نخست وزیر روسیه نیز با وی دیدار کردند. ضمن اینکه، دیدار وی با پوتین، بجای ۱۵-۲۰ دقیقه پیش بینی شده، یک ساعت و نیم بطول انجامید. این در حالیست که، مدیریت سیاست خارجی اصلاً بر عهده رئیس جمهور و نخست وزیر نیست.

یک موضوع هشدار دهنده دیگری هم شایسته توجه، این است که، جناب لیبرمان، که این همه مورد احترام مسکو می باشد، در خود اسرائیل یک جنایتکار محسوب می شود و در فاصله سفرهای خارجی، بمدت ۵-۶ ساعت مورد بازجویی پلیس قرار می گیرد. احتمال اینکه، جناب لیبرمان از دست بازپرسان پلیس بدست قاضی دادگاه سپرده شود، بسیار زیاد است. بلی، چنین شخصیت برجسته ای همصحبیت مقامات عالیرتبه دولت روسیه بود. رهبر سیاست خارجی اسرائیل تأکید داشت که، هدف سفر او به مسکو، قبل از هر چیز، مذاکره پیرامون روابط اقتصادی روسیه و اسرائیل بود. بدین ترتیب، وی رنگین کمان روابط اسرائیل و روسیه را در انتظار عمومی نمایان ساخت. مثلاً؛ در جواب سؤالی در جریان کنفرانس مطبوعاتی در پایان دیدار خود، جناب لیبرمان اظهار داشت: «بهتر این نمی تواند باشد».

در عین حال، در مورد سیاست های پشت درهای بسته، حرف و سخنها بسیار متناقضی زده می شود. از جمله، روسیه بر خلاف خواست تل-آویو، حاضر به قطع روابط خود با جنبش فلسطینی حماس و جنبش حزب الله لبنان نیست.

البته، در مورد برنامه هسته ای ایران نیز، که اسرائیل هر از چند گاهی پیرامون آن هیستری راه می اندازد، مذاکراتی انجام گرفته است. واقعا هم لیبرمان در مسکو اعلام کرد که، اسرائیل قصد بمباران ایران را ندارد. اما، همین روزها وزیر دفاع دولت یهود اعلام کرد که، مسئله وارد آوردن ضربه به ایران منتفی نشده است. هم اکنون آموزش دفاع غیر نظامی بی سابقه ای (پنج روز) در اسرائیل در جریان است. آنها نه تنها مردم اسرائیل را برای جمع شدن دوستانه در پناهگاهها آموزش می دهند، حتی، زمینه جنگ گریز ناپذیر با ایران را نیز آماده می سازند. بدین ترتیب، چگونه می توان به صلحدوستی جناب لیبرمان باور کرد!

حال، به بازیگر اصلی میدان خاورمیانه - رئیس جمهور آمریکا می پردازیم. دیدار اوپاما از عربستان سعودی و مصر (مرکز اقتصادی و سیاسی دنیای عرب) و سخنرانی وی، به عقیده کارشناسان بدین معنی است که، اوپاما دست دوستی به سوی مسلمانان دراز می کند. این در تاریخ آمریکا بی سابقه است که رئیس جمهور بعد از انتخاب برای اولین بار قبل از اروپا، به خاور میانه سفر می کند. ضمن اینکه اسرائیل را هم دور زد. بنظر می رسد که، اوپاما بزودی به تل-آویو سفر خواهد کرد. به یقین که، این اقدام اوپاما فقط یک ژست دیپلماتیک در ارتباط با دنیای اسلام می توانست باشد.

سخن بر سر بازنگری بنیادی سیاست خاورمیانه ای آمریکاست. جرج بوش هشت سال بر شیپور خطر «افراط گرایی اسلامی» برعلیه «دنیای آزاد» دمید. اما، هسته اصلی سخنرانی اوپاما در قاره را انتقاد از اسرائیل تشکیل می داد. رئیس جمهور آمریکا ضمن مخالفت با ساخت شهرکهای یهودی نشین جدید در اراضی اشغال شده اعراب،

طرفداری خود از تشکیل دولت مستقل فلسطین را اعلام کرد (کاری که مقامات تل- آویو بشدت با آن مخالفت می کنند).

واقعیت این است که، اوپاما در سخنرانی خود، مسئله مبارزه با افراط گرایی را نیز مورد تأکید قرار داد. اما، نه به شکل سنتی آن که؛ «اسلام- دشمن آمریکا». رئیس جمهور آمریکا با لحن دیگر- از ضرورت «فائق آمدن بر نگاه قالبی» آمریکا نسبت به دنیای عرب، سخن بمیان آورد و با حرارت حق ایران مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را مورد تأیید قرار داد. در صورتیکه بوش و تیم او، این حق ایران را بطور کلی انکار می کردند. لازم به تأکید است که، حتی محل سخنرانی نیز بسیار حساب شده انتخاب شده بود. زیرا، دانشگاه الازهر قاهره یکی از مراکز اصلی دینی همه دنیای اسلام است. خود این، تأثیرگذار است. در خیابانهای قاهره جوانان با پیراهنی که روی آن نوشته شده بود: «اوپاما- توتان خامون قرن بیست و یکم» ظاهر شدند. یعنی اوپاما را با یکی از مشهورترین رهبران مصر باستان مقایسه می کردند.

تصور نمی شود هیچگونه چرخشی «به سود عرب» در سیاست اوپاما روی دهد. بر خلاف جوانان، اساسا سیاستمداران و روزنامه نگاران مجرب اعراب چنین اظهار نظر می کنند: «زندگی نشان خواهد داد». سخنان بغایت «عرب دوستانه» رهبران ایالات متحده آمریکا، همیشه باد هوا بوده است. رئیس جمهور آمریکا در میان اطرافیان عمدتا «ننو محافظه کار» خود- شامل طرفداران سلطه گری آمریکا بر جهان که، اسرائیل بعنوان متحد اصلی وحشیگری ایالات متحده آمریکا در آسیا محسوب می شود، از اختیارات محدودی برخوردار است.

آخرین رئیس جمهور آمریکا که خود را مجاز به انتقاد از اسرائیل می دانست، جرج بوش (پدر) بود. رسانه های اسرائیلی یادآوری می کنند که، به همین جهت هم جرج بوش نتوانست برای دوره دوم ریاست جمهوری انتخاب شود. اوپاما باید عمیقا بیاندیشد. اگر اوپاما پای خود را بیشتر از حد مجاز دراز کند، نه با اسرائیل، که با رسانه های آمریکائی تحت کنترل دوستان اسرائیل طرف خواهد شد. البته، سرمایه مالی آمریکا، تحت مدیریت همان دوستان، جلو هر گونه چرخش «ضد اسرائیلی» را خواهد گرفت.

تلاش برای راندن اسرائیل به داخل جمع شرکای استراتژیک روسیه، همان کاری که جناب لیبرمان با تمام توان بدنبال آن بود، موضوع دیگری است که اوپاما را به اندیشیدن وادار می کند. اما، تصور این موضوع بیش از حد ساده انگارانه است. زیرا، اسرائیل بسیار بیشتر از آن حدی که دیده می شود، وابسته به آمریکاست.

اما، آنچه که به روسیه مربوط می شود، این است که، ما دارای منافع دیرینه و از اعتبار خوبی در خاورمیانه برخوردار هستیم. رهبران زبده سیاست خارجی تزار، باتکاء هوش و ذکاوت خود پایه های محکم تأثیرگذاری روسیه در سوریه، لبنان و فلسطین را بنیان نهاده اند و اتحاد شوروی نیز با حمایت قاطع از مبارزه آزادیبخش مردم فلسطین و دیگر خلقهای عرب، این سیاست را ادامه داد.

پس از سال ۱۹۹۱، «نخبگان» جدید روسیه، به پهلوی دیگر در غلطیدند. به سوی دوستی با اسرائیل و روگردانی از اعراب روی آوردند. هر چند در سالهای اخیر علانم بیداری مشاهده می شود ولی، دوستان اسرائیل در میان هرم قدرت روسیه، کمافی السابق برتری خود را حفظ می کنند. این مدعا را از ایده برگزاری کنفرانس مربوط به خاورمیانه در مسکو نیز می توان درک کرد. در واقعیت امر، چیز دیگری در زرادخانه ما وجود ندارد. روسیه کنونی از هیچگونه امکانی برای اعطای وامها و یا سلاحهای جدید(بر خلاف آمریکا و اتحاد شوروی) به دنیای عرب برخوردار نیست. علاوه بر آن، اختلال در مجتمع صنایع نظامی روسیه به آن حدی رسیده است که، ما مجبور شده ایم از اسرائیل هواپیماهای بدون سرنشین بخریم. یعنی، به آخر خط می رسیم...

این است آنچه که در ورای اظهارات پر هیاهو و کاملا مه گرفته پنهان می شود. سیاست خارجی روسیه با ایرادات جدی همراه است. مسکو، بطور مرتب بین ضرورت دوستی با کشورهای ثروتمند و دارای منابع سرشار نفت و گاز دنیای اسلام و روابط کرنش گرانه با اسرائیل که، به اهرمهای قوی تأثیرگذاری از طریق دوستان زیاد(همچنین مردم) اسرائیل در مراکز اقتصادی و حاکمیت سیاسی روسیه متکی می باشند، تردد می کند. نشستن در روی دو صندلی هیچگاه راحت نبوده و همیشه مضحک بوده است.

در مسکو هیچ کنفرانس بین المللی دایر بر امور خاورمیانه برگزار نخواهد شد، زیرا، فرمان تل- آویو در دست افراط گرایانی است که حتی، به خواست جامعه جهانی در مورد تشکیل دولت مستقل فلسطینی وقعی نمی گذارند. بدین ترتیب، مقایسه سیاست خارجی روسیه و آمریکا، بویژه، پس از دیدار خاورمیانه ای اوپاما، اصلا به نفع ما نیست. آیا وقت آن نرسیده است که، سیاست خاورمیانه ای ما تغییر داده شود؟ باید از تعویض تنظیم کنندگان آن آغاز کرد...

«سووتسکایا راسیا»، شماره (۱۳۲۷۵) ۵۸، ۶ ژوئن ۲۰۰۹